

سوالات حقوق مدنی آزمون قضاوت ۱۳۹۰

۱- در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی تعیین نکرده باشد:

- ۱) حق انتفاع باطل است.
- ۲) حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود.
- ۳) حق مزبور تا فوت منتفع خواهد بود.
- ۴) حق انتفاع تا زمانی که یکی از آنها (مالک و منتفع) زنده باشد باقی است.

۲- در معامله فضولی، اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت کند:

- ۱) با فوت مالک عقدی باقی نمی ماند.
- ۲) با فوت مالک اجازه یا رد از بین می رود.
- ۳) اجازه یا رد با وارث است.
- ۴) وارث حق اجازه یا رد ندارد.

۳- اگر برای اختیار شرط مدت معین نشده باشد:

- ۱) شرط اختیار باطل است.
- ۲) شرط اختیار باطل و بیع صحیح است.
- ۳) شرط خیار و بیع صحیح است.
- ۴) هم شرط خیار و هم بیع باطل است.

۴- عیبی که بعد از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود چه حکمی دارد؟

- ۱) در حکم عیب سابق است.
- ۲) حق خیار عیب ایجاد نمی کند.
- ۳) خللی به معامله وارد نمی آورد.
- ۴) بیع از بین می رود.

۵- هرگاه متعلق وکالت از بین برود وکالت چه حکمی دارد؟

- ۱) باطل می شود.
- ۲) منفسخ می شود.
- ۳) وکالت قابل ابطال است.
- ۴) تأثیری در عقد وکالت ندارد.

۶- تملیک به موجب وصیت محقق نمی شود مگر:

- ۱) با قبول موصی له
- ۲) با قبض موصی له
- ۳) با قبول موصی له قبل از فوت موصی.
- ۴) با قبول موصی له پس از فوت موصی.

۷- نفقه طفل متولد از زنا:

- (۱) برعهده پدر طبیعی نیست.
- (۲) برعهده پدر طبیعی است.
- (۳) برعهده مادر است.
- (۴) در صورتی که نفقه او از جانب دولت پرداخت نشود، برعهده پدر طبیعی است.

۸- شخص "الف" تلویزیون متعلق به شخص "ب" را غصب کرده و شخص "ب" مبلغ یک میلیون ریال به شخص "الف" بدهکار است، در صورتی که تلویزیون یک میلیون ریال ارزش داشته باشد:

- (۱) تهاتر قهراً حاصل می شود.
- (۲) تهاتر ممکن است.
- (۳) امکان تهاتر در این حالت وجود ندارد.
- (۴) تهاتر در صورتی واقع می شود که سررسیددین حاصل و یا دین حال باشد.

۹- در قرارداد بیع شرط شده است در صورتی که هریک از چکهای خریدار منجر به برگشت شود، معامله خودبخود منفسخ است، شرط مندرج در قرارداد:

- (۱) شرط فعل است.
- (۲) شرط خیار است.
- (۳) شرط نتیجه معلق است.
- (۴) شرط فعل معلق است.

۱۰- اگر مضمون له در هنگام عقد ضمان به عدم تمکن ضامن جاهل باشد:

- (۱) تأثیری در عقد ضمان ندارد.
- (۲) عقد ضمان منفسخ است.
- (۳) می تواند عقد ضمان را فسخ کند.
- (۴) عقد ضمان باطل است.

۱۱- عقد صلح در صورتی که در مقام عقود جایزه واقع شده باشد:

- (۱) لازم است.
- (۲) در هر زمان هریک از طرفین می توانند عقد را برهم بزنند.
- (۳) در صورتی که لازم است که لزوم عقد در صلح شرط شده باشد.
- (۴) طرفی که عقد صلح به نفع او است، حق بر هم زدن عقد را دارد.

۱۲- شخصی گردنبنند طلای خود را به دیگری عاریه داده است در این صورت:

- (۱) مستعیر در صورت تعدی و تفریط ضامن است.
- (۲) چنانچه مستعیر ثابت کند تعدی و تفریط نکرده ضامن نیست.
- (۳) مستعیر در صورتی ضامن است که شرط ضامن شده باشد.
- (۴) مستعیر در هر صورت ضامن است.

۱۳- هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه گردد:

- ۱) دادگاه یک نفر امین به ولی منضم می کند.
- ۲) به حکم دادگاه ولی قهری عزل می شود.
- ۳) بدون نیاز به عزل ولی، دادگاه قیم تعیین می کند.
- ۴) اصولاً ولی قهری قابل عزل نیست.

۱۴- معاملات مالک نسبت به مال مرهونه:

- ۱) در صورتی که منافی حق مرتهن باشد نافذ نیست.
- ۲) نافذ نیست
- ۳) نافذ است.
- ۴) باطل است.

۱۵- سهم الارث زوجه در صورتی که زوج متوفی دارای فرزند باشد عبارتست از:

- ۱) فقط یک هشتم از عین اموال منقول
- ۲) یک هشتم از عین اموال منقول و غیرمنقول
- ۳) یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اعیان غیرمنقول
- ۴) یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان.

سوالات حقوق مدنی آزمون قضاوت ۱۳۸۹

۱- اشتباه در علت معامله چه تأثیری در عقد دارد؟

- (۱) اثری ندارد. (۲) موجب بطلان عقد است.
(۳) موجب عدم نفوذ عقد است. (۴) عقد را قابل فسخ می کند.

۲- اگر مالک کامیونی آن را بفروشد سپس معلوم گردد کامیون مزبور در لحظه انجام معامله بر اثر سقوط و آتش سوزی از بین رفته و مالک اطلاعی نداشته است، وضعیت معامله چگونه است؟

- (۱) باطل است.
(۲) صحیح ولی قابل فسخ است.
(۳) غیر نافذ است.
(۴) صحیح و فروشنده باید مثل آن را تحویل دهد.

۳- قوه قاهره چه تأثیری در قرارداد دارد؟

- (۱) باعث تعلیق قرارداد می شود.
(۲) موجب تعلیق قرارداد می شود.
(۳) موجب معاف شناخته شدن متعهد از مسؤولیت قراردادی است.
(۴) حق فسخ برای متعهدله ایجاد می کند.

۴- هرگاه مشتری برفضولی بودن معامله عالم باشد و مالک معامله را اجازه نکند:

- (۱) مشتری حق رجوع به فضول را ندارد.
(۲) مشتری حق رجوع به معامل فضولی را صرفاً برای استرداد ثمن دارد.
(۳) مشتری حق رجوع به معامل فضولی را برای استرداد ثمن و غرامات دارد.
(۴) مشتری مطلقاً حق رجوع به فضول را دارد.

۵- در اقاله تلف یکی از عوضین :

- (۱) مانع از اقاله است.
(۲) مطلقاً مانع از اقاله نیست.
(۳) صرفاً چنانچه عوض تلف شده مثلی باشد مانع از اقاله نیست.
(۴) صرفاً چنانچه عوض تلف شده قیمی باشد مانع از اقاله نیست.

۶- اگر وکیلی که وکالت در توکیل ندارد، انجام مورد وکالت خود را به شخص ثالثی واگذار کند و از اقدام شخص ثالث خسارتی حاصل شود:

- ۱) وکیل در مقابل موکل (اصیل) مسؤول است.
- ۲) شخص ثالث در مقابل وکیل مسؤول است.
- ۳) شخص ثالث در مقابل اصیل مسؤول است.
- ۴) وکیل و شخص ثالث در مقابل اصیل مسؤول است.

۷- کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) ضمان قهری در زمره الزامات قراردادی است.
- ۲) ضمان قهری همان ضمان درک است.
- ۳) ضمان قهری همان غصب است.
- ۴) غصب از موارد ضمان قهری است.

۸- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- ۱) حق ارتفاق تنها در اموال منقول قابل تصور است.
- ۲) حق ارتفاق تنها در اموال در حکم غیر منقول متصور است.
- ۳) حق ارتفاق حقی موقت در اموال غیر منقول است.
- ۴) حق ارتفاق تنها در اموال غیر منقول (ذاتی) متصور است.

۹- کدامیک از عبارات زیر صحیح است؟

- ۱) حق انتفاع همان مالکیت منفعت است.
- ۲) حق انتفاع همان اباحه انتفاع است.
- ۳) حق انتفاع همان اذن در انتفاع است.
- ۴) هیچکدام

۱۰- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- ۱) فروشنده در صورتی ضامن درک است که در قرارداد تصریح شده باشد.
- ۲) ضمان درک نیاز به تصریح در قرارداد ندارد.
- ۳) فروشنده وقتی ضامن درک است که مشتری جاهل به تعلق مالک به غیر باشد.
- ۴) فروشنده وقتی ضامن درک است که خود عالم به تعلق مال به غیر باشد.

۱۱- در فرضی که زوج غایب مفقود الاثر دفاع مقدس می باشد و ۷ سال تمام از غیبت وی می گذرد و عالی ترین مقام اجرایی بنیاد شهید نیز گواهی نموده است و زوجه ی وی قصد تفضای طلاق دارد:

- (۱) بدون نیاز به صدور حکم موت فرضی و درج آگهی در جراید محلی و کثیرالانتشار، زوجه می تواند از دادگاه ذی صلاح تقاضای صدور حکم طلاق نماید.
- (۲) با صدور حکم موت فرضی موضوع مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۳ قانون مدنی و انتشار آگهی و تقاضای زوجه، دادگاه ذی صلاح اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش می نماید.
- (۳) زوجه می تواند به لحاظ عسرو حرج با توجه به صدور حکم موت فرضی و انتشار آگهی موضوع ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی از دادگاه ذی صلاح تقاضای صدور حکم طلاق نماید.
- (۴) قبول دادخواست طلاق زوجه از سوی دادگاه صلاحیت دار با رعایت مواد ۱۰۲۱، ۱۰۲۰، ۱۰۲۳ قانون مدنی الزامی است.

۱۲- مدت خیار تأخیر ثمن عبارت است از:

- (۱) سه روز (۲) هفت روز (۳) پنج روز (۴) ده روز

۱۳- هرگاه عین مال مورد انتفاع به دیگری منتقل شود و مشتری جاهل به حق انتفاع دیگری باشد:

- (۱) عقد بیع غیر نافذ است.
- (۲) در صورت علم منتفع، حق انتفاع زایل می شود.
- (۳) منتقل الیه حق فسخ معامله را خواهد داشت.
- (۴) چون انتقال با حقوق شخص ثالث تعارض دارد، لذا عقد بیع باطل است.

۱۴- در صورتی که مهریه تعیین شده در عقد نکاح دائم مستحق للغير درآید:

- (۱) زوجه مستحق مهرالمثل می باشد.
- (۲) زوجه مستحق مهرالمتععه می باشد.
- (۳) زوجین می توانند تعیین مهرالمسمی را به شخص ثالث یا دادگاه تفویض نمایند.
- (۴) زوجه مستحق مطالبه مثل یا قیمت مهریه می باشد.

۱۵- برای ایجاد مسؤولیت مدنی ناشی از اتلاف:

- (۱) تعدی شرط است.
- (۲) تقریط شرط است.
- (۳) قابلیت انتساب فعل به تلف کننده شرط است.
- (۴) هر سه مورد شرط است.

۱۶- در عقد جعاله عمل و اجرت عمل:

- (۱) باید تفصیلاً معلوم و معین باشد.
- (۲) می تواند به کلی مجهول باشد.

۳) علم اجمالی لازم است ولی علم تفصیلی لازم نیست.
 ۴) هیچکدام

۱۷- در اجاره یک باغ به مدت یک سال مستأجر در ماه سوم مرتکب تفریط در عین مستأجره می شود در ماه چهارم با آمدن سیل ناگهانی و غیرقابل پیشگیری دیوار و درختان آسیب می بینند. خسارت ناشی از سیل بر عهده چه کسی است؟

۱) مؤجر ۲) مستأجر ۳) هر دو ۴) هیچکدام

۱۸- حق شفعه در کدام مال به وجود نمی آید؟

- ۱) مال مشاع
 ۲) مالی که با بیع انتقال یابد.
 ۳) مالی که شرکاء آن دونفر باشند.
 ۴) مال غیرقابل تقسیم

۱۹- ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل در عقد اجاره چیست؟

- ۱) تخلف از شرط فعل برای مشروط له حق فسخ ایجاد می کند.
 ۲) مشروط له می تواند الزام مشروط علیه را به انجام فعل بخواهد.
 ۳) مشروط له باید اول الزام مشروط علیه را به انجام شرط تقاضا کند و در صورت عدم امکان الزام، حق فسخ دارد.
 ۴) مشروط له می تواند یا الزام مشروط علیه را به انجام شرط بخواهد یا بدون درخواست الزام، اجاره را فسخ کند.

۲۰- کدام یک از وراثت زیر همیشه به قرابت ارث می برند؟

۱) اجداد ابی ۲) اعمام ۳) پسران میت ۴) هر سه مورد

پاسخنامه تشریحی بخش اول

۱- گزینه ۴ صحیح است؛

ک. طبق ماده ۲ ق.م. قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجراست مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری برای موقع اجرا مقرر شده باشد.

۲- گزینه ۱ صحیح است؛

ک. گزینه ۱ طبق ماده ۵ قانون مدنی صحیح نیست زیرا اتباع بیگانه را بدون استثناء تابع قانون ایران دانسته.

گزینه ۲ مطابق ماده ۷ صحیح است با این توضیح که به مجموع اوصافی که وضع شخص را در خانواده و جامعه معین می کند و از شخصیت او جداشدنی نیست در اصطلاح احوال شخصیه گویند مثل نکاح و طلاق و نسب و سن و حجر و ولایت قهری و قیمومت و جنس و امثال اینها. برون مرزی بودن قوانین مربوط به احوال شخصیه، یکی از اصول مسلم حقوق بین الملل خصوصی به شمار می آید. گزینه ۳ هم طبق ماده ۶ ق.م. صحیح است.

۳- گزینه ۲ صحیح است؛

ک. عقد معین عقدی است که در قانون عنوان معین دارد و قانونگذار به لحاظ اهمیت و کثرت استعمال در عرف، شرایط و آثار آن را معین کرده است مثل بیع و اجاره و بیمه. عقود که در قانون عنوان و صورت خاص ندارد و شرایط و آثار آن بر طبق قواعد عمومی تعیین می شود عقود بی نام یا غیرمعین است؛ مانند قرارداد مربوط به تبلیغ کالای معین.

انشای عقد معین به معنی پذیرفتن آثار و نتایجی است که قانون برای آن معین کرده است هر چند که این آثار و نتایج هنگام تشکیل عقد بیان نشود برعکس در عقد غیرمعین طرفین باید نتایجی را که از عقد انتظار دارند در حدود قانون ذکر کنند و در صورت عدم ذکر آن، نتایج مزبور منتفی خواهد بود.

۴- گزینه ۱ صحیح است؛

ک. ماده ۱۰ ق.م. با شناسایی عقد غیرمعین (قراردادهای خصوصی) این نوع عقود را برای رفع نیازهای حقوقی که در قالب عقود معین قابل تحقق نمی باشد پیش بینی نموده است.

۵- گزینه ۱ صحیح است؛

ک. در مسائل مربوط به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است در محاکم اجرا می شود.

۶- گزینه ۴ صحیح است؛

ک. تقسیم بندی اموال به منقول و غیرمنقول مصرح ماده ۱۱ ق.م. شامل تمام اموال خواه مادی باشد یا در زمره حقوق، می شود و اختصاص به اموال مادی ندارد.

۷- گزینه ۴ صحیح است؛

کـ با مطالعه ماده ۱۷ به خوبی بر می آید که آلات و ادوات زراعت و آبیاری فقط در صورت وجود ۲ شرط در حکم غیرمنقول قرار می گیرد:

(۱) فرض غیرمنقول بودن تنها در مورد حیوانات و اشیایی است که به مالک زمین تعلق دارد و ادواتی که ملک دیگران است در حکم زمین و مال غیرمنقول به شمار نمی آید یعنی حیوانات و اشیاء با زمین زراعتی باید دارای یک مالک باشد. این شرط از ماده ۱۷ استنباط نمی شود و زایدۀ ذهن حقوقدانان است و در توجیه لزوم این شرط گفته شده معمولاً وقتی اموال منقول اختصاص یافته به زراعت و زمین و خانه و ... مربوط به دو دارایی مختلف با مطالبات و بدهی های خاص خود باشد هیچ گاه با هم موجبات توقیف و به فروش رساندن آنها فراهم نمی آید تا حکم ماده ۱۷ بتواند مفید افتد، پس اگر مستأجری گاو و تخم را از مال خود در زمین مورد اجاره به کار ببرد آن گاو و تخم در حکم مال غیرمنقول محسوب نمی شود.

(۲) حیوانات و اشیاء باید اختصاص به کار زراعت و آبیاری داده شده باشد پس اگر تراکتوری برای تسطیح راهها به کار رود و گاه نیز به منظور زراعت شیار کند در حکم غیرمنقول نیست همچنین اگر حیوانی که از طرف مالک به امر زراعت و آبیاری اختصاص داده شده است به کار دیگری گمارده شود این تغییر مصرف صفت غیرمنقول آن را از بین خواهد برد. گفتنی است این اموال منقول در صورتی که شرایط فوق را دارا باشند فقط از لحاظ صلاحیت محاکم و توقیف اموال در حکم اموال غیرمنقول است.

۸- گزینه ۲ صحیح است؛

کـ پرده پنجره ساختمان مطابق ماده ۱۹ منقول است زیرا نقل آن از محلی به محل دیگر بدون اینکه به خود یا محل نصب آن خرابی وارد آید ممکن است.

۹- گزینه ۲ صحیح است؛

کـ چون که ساختمان و هر آنچه از اموال منقول که در بنا یا زمین به کار می رود در اثر عمل انسان به صورت غیرمنقول درآمده است و در واقع وصف غیرمنقول را به طور مصنوعی کسب کرده است و استقرار ذاتی ندارد این اموال اموالی هستند که در اثر عمل انسان غیرمنقول شده است و همین که از محل نصب خود جدا شود صفت ذاتی آن باز می گردد و به صورت مال منقول در می آید.

ایراد گزینه ۱ آن است که آلات و ادوات کشاورزی با توجه به ماده ۱۷ تنها از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال در حکم غیرمنقول می باشند.

ایراد گزینه ۳ آن است که تنها حقوق و دعاوی مطابق ماده ۱۸ غیرمنقول تبعی محسوب می شوند.

ایراد گزینه ۴ آن است که اراضی و کوه و معدن و امثالهم مطابق مواد ۱۲ و ۱۳ غیرمنقول ذاتی محسوب می شوند.

۱۰- گزینه ۴ صحیح است؛

ایراد گزینه ۱ آن است که گفته وصف غیرمنقول برای اموال منقولی که به واسطه عمل انسان استقرار یافته، همیشگی و انفصال ناپذیر است در حالی که به محض اینکه این اموال از زمین یا بنا جدا شود وصف غیرمنقول خود را از دست می دهند.

ایراد گزینه ۲ آن است که وصف غیرمنقول برای این دسته از اموال، صفت ذاتی نیست و اکتسابی است.

ایراد گزینه ۳ آن است که بعد از اینکه این اموال از زمین جدا شوند از هر حیث منقول اند.

۱۱- گزینه ۲ صحیح است؛

ک زیرا مطابق نص ماده ۱۵ می باشد.

ثمره و حاصل، مادام که چیده یا درو نشده غیرمنقول است. هر چند که ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده به تبع الصاق به زمین یا درخت تبعاً غیرمنقول است ولی اصطلاح غیرمنقول تبعی در ادبیات حقوقی فقط برای حقوق و دعاوی مصرح در ماده ۱۸ به کار برده می شود ولی این نکته را باید اضافه کرد که دکتر کاتوزیان در حاشیه ۱ ماده ۱۵ این اموال را غیرمنقول تبعی نامیده است.

۱۲- گزینه ۳ صحیح است؛**۱۳- گزینه ۳ صحیح است؛****۱۴- گزینه ۳ صحیح است؛****۱۵- گزینه ۱ صحیح است؛**

ک هر حقی که روی مال غیرمنقول است، غیرمنقول است و چون حق تابع موضوعش می باشد می شود غیرمنقول تبعی. حق انتفاع از اشجار باغ نیز غیرمنقول تبعی است .

۱۶- گزینه ۱ صحیح است؛

ک ماده ۱۸ شامل دو امر است: (۱) حقوق (۲) دعاوی.

حقوق را که در توضیحات تست شماره ۱۵ توضیح دادیم.

در مورد دعاوی هم باید گفت دعوا نیز همانند حق می باشد.

هر دعوایی که راجع به اموال غیرمنقول است می شود غیرمنقول تبعی مثل خلع ید.

در مورد حقوق دینی باید گفت که کلیه حقوق دینی از هر حیث منقول می باشد جز حقوق زیر:

(۱) تعهد به انتقال مال غیرمنقول؛

(۲) تعهد به تسلیم مال غیرمنقول (باید توجه داشت انتقال عملی است حقوقی ولی تسلیم عملی است

مادی)؛

(۳) تعهد به جبران خسارت وارد بر مال غیرمنقول؛

۴) تعهد به دادن اجرت‌المثل مال غیرمنقول.

۱۷- گزینه ۲ صحیح است؛

۱۸- گزینه ۴ صحیح است؛

کلیه ایراد گزینه ۱ آن است که منافع مورد انتفاع ملک مالک (مبیع) است نه ملک منتفع (مباح‌له) و در حق انتفاع هیچ گونه تملیک انجام نمی‌پذیرد و فقط حق استفاده از مال به منتفع داده می‌شود. گزینه ۲ به این دلیل غلط است که حق ارتفاق تابع و فرع مالکیت زمین است و نمی‌توان آن را از حق مالکیت جدا کرد و به دیگری انتقال داد زیرا حقی است قائم به ملک نه قائم به شخص. گزینه ۳ نیز به این دلیل غلط است که مطالبه اجرت‌المثل را در حکم غیرمنقول قرار داده در حالی که مطالبه اجرت‌المثل غیرمنقول تبعی است نه حکمی.

۱۹- گزینه ۱ صحیح است؛

کلیه حقوق مالی که بر اشیاء منقول وجود دارد به تبع موضوع خود منقول است که ماده ۲۰ ق.م. از حقوق دینی منقول به صراحت نام برده است و باید گفت که تمام حقوق دینی که موضوع آن پول یا مال منقول باشد صرف‌نظر از منشأ استحقاق خود در حکم منقول است ولی اگر موضوع حق دینی مال غیرمنقول باشد مشمول این ماده نیست مانند اینکه ثمن معامله مال غیرمنقول باشد. مانند بیع یک دستگاه اتومبیل (مبیع) در مقابل خانه مشتری (ثمن).

۲۰- گزینه ۱ صحیح است؛

۲۱- گزینه ۴ صحیح است؛

۲۲- گزینه ۱ صحیح است؛

کلیه در مورد سهام شرکت‌ها باید گفت: برای تشکیل شرکت، هر یک از شریکان مالی به عنوان سرمایه می‌دهد و در مقابل، مالک سهم مشاعی از تمام اموال شرکت می‌شود و باید گفت در اثر این قرارداد حقوق عینی شرکا بر سرمایه تبدیل به حق خاصی می‌شود که موضوع آن درآمد مربوط بر منافع سالیانه است و به همین جهت به تابعیت از موضوع آن باید منقول محسوب شود. مال الاجاره خانه و ثمن اتومبیل نیز مشمول ماده ۲۰ می‌گردد.

۲۳- گزینه ۳ صحیح است؛

کلیه حقی که منقول است ← منقول حکمی

هر حقی (چه عینی چه دینی) که غیرمنقول است ← غیرمنقول تبعی

* حق فروشنده برای مطالبه بهای ملک در حکم منقول است.

۲۴- گزینه ۳ صحیح است؛

کچه‌هایی که آخر آن مسدود نیست به عموم واگذار شده و در شمار اموال عمومی است هر چند که در املاک خصوصی احداث شده باشد ولی کچه‌های بن‌بست ملک مشترک یا اختصاصی اشخاص است و داخل در اموال عمومی نیست.

گزینه ۱: حمل از حقوق مدنی و از جمله حق انتفاع متمتع می‌گردد مشروط به اینکه زنده به دنیا آید.
گزینه ۲: به این دلیل صحیح نیست که اگر تلف موضوع حق انتفاع مستند به تعدی یا تفریط منتفع باشد، منتفع مسؤول می‌باشد.

گزینه ۴: رک به توضیحات تست شماره ۱۸.

۲۵- گزینه ۴ صحیح است؛

ک ملک مالی است که دارای مالک است ولی مباح مالی است که مالک خاص ندارد بنابراین مال اعم است از ملک و مباح هر چند برخی حقوقدانان معتقدند ممکن است ملکی مال نباشد. لذا گزینه ۴ صحیح است چون فقط بعضی از اموال ملک است و ممکن است برخی مباح باشد.

۲۶- گزینه ۴ صحیح است؛

ماهی‌های موجود در دریا مباح هستند که در صورت حیزت تبدیل به ملک می‌شوند.

۲۷- گزینه ۲ صحیح است؛

ک به موجب ماده ۲۷ اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و افراد مردم می‌توانند آنها را مطابق مقررات مندرجه در قانون مدنی و قوانین مخصوصه مربوط به هر یک از اقسام مختلفه آنها، تملک کرده یا از آنها استفاده کنند مباحات نامیده می‌شود.

پس در مال مباح ۲ نکته ضروری است:

(۱) نداشتن مالک

(۲) امکان تملک یا انتفاع از آنها.

بر طبق ماده ۲۷ مباحات به ۲ قسم تقسیم می‌شوند:

(۱) مباحاتی که نمی‌توان تملک کرد و فقط می‌توان از آن استفاده کرد که به آنها اموالی که مالک خاص ندارند یا مشترکات عمومی یا اموال عمومی گویند.

(۲) مباحاتی که می‌توان تملک نمود (ماده ۱۴۷)

- باید توجه داشت آن دسته از اموال که مجهول‌المالک می‌باشند در مرحله ثبوت دارای مالک هستند در حالی که مباح مالک ندارد.

- کلیه اموال مشاع دارای مالک‌اند. در واقع مشاع و مفروز دو قسم عین معین هستند.

- اموال متوفای بلاوارث راجع به حاکم است.

۲۸- گزینه ۲ صحیح است؛

کج طبق ماده ۲۲۱ اگر کسی تعهد اقدام به امری بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسؤول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد.

۲۹- گزینه ۲ صحیح است؛

کج حق دینی یا حق شخصی رابطه بین شخص با شخص می‌باشد که به موجب آن شخص می‌تواند انجام یا عدم انجام کاری را از دیگری بخواهد.

۳۰- گزینه ۴ صحیح است؛

کج حق عینی یا حق واقعی رابطه بین شخص با مال است. حقی است که شخص به طور مستقیم و بی‌واسطه نسبت به چیزی پیدا می‌کند کامل‌ترین نوع حق عینی مالکیت است.

۳۱- گزینه ۱ صحیح است؛

کج حق عینی بر ۲ دسته تقسیم می‌شود:

- ۱) حق عینی اصلی که مستقل است و وابسته به حق دیگری نیست.
 - ۲) حق عینی تبعی که حقی است عینی که وابسته و تابع یک حق دینی است یعنی ابتدا باید یک حق دینی موجود باشد و به تبع آن حق دینی، یک حق عینی به وجود بیاید.
- منابع حق عینی تبعی در حقوق، عبارتند از:
- ۱) قرارداد (عقد رهن یا وثیقه قراردادی) (با دو اراده)
 - ۲) وثیقه قضایی (یک اراده که فقط اراده طلبکار است)
 - ۳) وثیقه قانونی یا قهری (هیچ اراده‌ای وجود ندارد) (۹۴۸ ق.م.ا)
- نکته: همچنین کسی که دارای حق عینی تبعی است مالک منافع مال نیست و فقط نسبت به آن حق تقدم نسبت به سایر طلبکاران دارد

۳۲- گزینه ۲ صحیح است؛

کج حق عینی تبعی با سقوط دین به هر نحوی از بین می‌رود زیرا وجود این حق تابع وجود دین است. در حق عینی تبعی منافع وثیقه به مدیون تعلق دارد و مرتهن فقط می‌تواند در صورت خودداری مدیون از پرداخت دین طلب خود را از حاصل فروش عین استفاده کند. توجه داشته باشید که مرتهن مستقلاً حق فروش عین مرهونه را در صورت عدم تأدیه دین ندارد بلکه باید فروش عین مرهونه را از دادگاه درخواست کند.

۳۳- گزینه ۱ صحیح است؛

ک مالکیت تبعی یعنی مالکیت شخص بر ثمرات و متعلقات یک مال یعنی یک نفر به تبع مالکیت بر مالی مالک مال دیگری بشود. مالکیت تبعی بر ۲ قسم است:

(۱) طبیعی یعنی خود به خود به وجود آمده (مانند جوشش چشمه در زمین)

(۲) مصنوعی یعنی در اثر عمل انسان به وجود آمده (مانند کاشتن درخت در زمین)

۳۴- گزینه ۳ صحیح است؛

ک در مورد مالکیت تبعی در زمین یک قاعده داریم و یک استثناء. قاعده این است که هر کس مالک زمین است مالک محصول نیز هست، استثنایش نیز این است که اگر بذر مال کسی باشد و زمین مال شخص دیگر، محصول مال صاحب بذر می باشد و چگونگی ورود بذر به زمین موضوعیت ندارد و مهم نیست از چه راهی وارد زمین شده باشد پس گزینه ۳ صحیح است.

۳۵- گزینه ۱ صحیح است؛

۳۶- گزینه ۱ صحیح است؛

۳۷- گزینه ۴ صحیح است؛

۳۸- گزینه ۲ صحیح است؛

ک طبق ماده ۳۴ نتاج حیوانات در ملکیت تابع مادر است و هر کس مالک مادر شد مالک نتاج آن هم خواهد شد. عبارت این ماده مجمل است و سبب این پندار می شود که هر گاه حیوان حاملی فروخته شود بچه آن نیز از توابع مبیع است ولی ماده ۳۵۸ در این مورد صراحت دارد که حمل در بیع حیوان متعلق به مشتری نمی شود مگر اینکه تصریح شده باشد یا برحسب عرف از توابع مبیع شمرده شود. پس ماده ۳۴ فقط ناظر بر فرضی است که پدر و مادر حیوانی از آن یک شخص نباشد و صاحبان آنها در ملکیت بچه با یکدیگر اختلاف پیدا کنند.

۳۹- گزینه ۲ صحیح است؛

ک ایراد گزینه ۱ آن است که تصرف را دلیل مالکیت دانسته در حالی که تصرف باید به عنوان مالکیت باشد و لاغیر و همچنین اثبات سبق تصرف مدعی با هر دلیلی حتی اقرار نیز به تصرف متصرف فعلی خدشه ای وارد نمی کند زیرا در تعارض بین تصرف سابق و تصرف کنونی، تصرف کنونی مقدم است همچنین وضع مالک واقعی روشن نیست و در تعارض دو اماره که یکی مربوط به گذشته و دیگری ناظر به وضع کنونی است اگر هر دو نیز معتبر باشند اماره کنونی مقدم است. «اثبات مالکیت سابق مدعی (ماده ۳۷) با اثبات تصرف سابق مدعی اشتباه نشود»

گزینه ۳ نیز اگر واژه «به عنوان مالکیت» نیز در آن قید می شد صحیح می نمود ولی چون گزینه ۲ مطابق نص ماده است نسبت به این گزینه برتری دارد.

۴۰- گزینه ۲ صحیح است؛

که در موضوع اختلاف در ملکیت و وقفیت اصل ملکیت است و مدعی وقف باید دعوی را ثابت نماید و عمل به وقف هم به تنهایی دلیل مثبت وقف محسوب نمی شود ولی در تعارض بین تصرف کنونی و وقفیت سابق تصرف دلیل بر مالکیت نیست زیرا موضوع وقف قابلیت نقل و انتقال ندارد و باید ثابت شود که به دلیل وجود حادثه‌ای (مثلاً ماده ۸۸) فروش آن ممکن گشته و این امری است که تصرف هیچ دلالتی بر آن ندارد پس در اینگونه دعاوی، تصرف مدعی مالکیت را از اقامه دلیل بی‌نیاز نمی کند و باید گفت در تعارض بین تصرف کنونی و وقفیت سابق چون امکان انتقال و تملک وقف به متصرف خلاف اصل می‌باشد تصرف دلیل مالکیت نیست.

۴۱- گزینه ۱ صحیح است؛

که اصولاً آنچه از اثاثیه خانه که عرفاً و عادتاً که اختصاص به هر یک از زن و مرد دارد باید متعلق به او محسوب داشت و بقیه مشترک است بین زوجین البته خلاف این موضوع قابل اثبات می‌باشد.

۴۲- گزینه ۴ صحیح است؛**۴۳- گزینه ۳ صحیح است؛**

که زیرا درست است که متن ماده ۳۷ ناظر به صورتی است که مالکیت مدعی مورد اقرار متصرف باشد و رویه قضایی نیز بر موضوعیت اقرار اصرار دارد و تصرف فعلی را مقدم داشته با وجود این چون اقرار هیچ خصوصیتی جز اثبات مالکیت مدعی ندارد باید بر آن بود که ثبوت مالکیت سابق مدعی به هر دلیلی که باشد اثر اماره‌ی تصرف را از بین خواهد برد. همچنین در متن سؤال نیز اشاره‌ای به عباراتی همچون طبق قانون مدنی یا با توجه به قانون مدنی نشده است تا پاسخ را منحصر به اقرار کنیم.

۴۴- گزینه ۱ صحیح است؛

مضاف بر این در صورتی که مدعی نتواند مالکیت خود را ثابت کند این بدین معنی نیست که متصرف مالک است چون ممکن است متصرف اقرار به مالکیت مدعی کند یا اقرار به مالکیت شخص ثالثی نماید.

۴۵- گزینه ۱ صحیح است؛

که هر چند با توجه به قانون گزینه ۴ نیز صحیح است ولی در اینجا چون گزینه ۱ مطابق اصول حقوقی است صحیح می‌باشد.

۴۶- گزینه ۱ صحیح است؛

که هر چند در اثبات مالکیت مدعی اقرار موضوعیت ندارد ولی چون در آخر این سؤال صریحاً نظر قانون مدنی خواسته شده گزینه ۱ بر گزینه ۳ برتری دارد.

۴۷- گزینه ۲ صحیح است؛

ایراد گزینه ۳ آن است که (الف) باید ثابت کند که مال به ناقل صحیح منتقل شده.

۴۸- گزینه ۲ صحیح است؛

۴۹- گزینه ۱ صحیح است؛

که رقبی حق انتفاعی است که از طرف مالک برای مدت معینی برقرار می شود.

۵۰- گزینه ۳ صحیح است؛

۵۱- گزینه ۳ صحیح است؛

که در اجاره مستأجر مالک منافع می شود نه صاحب حق انتفاع در صلح منافع هم متصلح مالک منافع می شود نه صاحب حق انتفاع. پس در گزینه های ۱ و ۲ مالکیت منفعت مطرح است نه حق استفاده از مال. حق انتفاع یکی از شاخه ها و مراتب مالکیت است که یا ناشی از قانون است (ماده ۹۲ ق.م.ا) یا ناشی از قرارداد. در حق انتفاع همیشه برای مال موضوع آن ۲ صاحب حق وجود دارد: (۱) منتفع که حق استعمال و انتفاع از عین به او واگذار شده.

(۲) مالک، که هم صاحب عین است و هم صاحب منفعت و در اثر قرارداد سهم بزرگی از حقوق خود را به منتفع واگذار کرده.

حق انتفاع مانند عمری و رقبی و یا وقف درجه ضعیف تر از مالک منفعت است و ذره های منفعت در ملک صاحب حق (منتفع) به وجود نمی آید پس اگر مدت حق انتفاع از باغی منقضی شود نمی تواند میوه هایی که بر درخت مانده بچیند. حق انتفاع حق عینی است و موضوع آن باید شیء مادی باشد. حق انتفاع از دین و حقوق معنوی مانند حق مؤلف و مخترع را باید بر طبق ماده ۱۰ بررسی کرد. حق انتفاع اختصاص به اموال غیرمنقول ندارد و نسبت به اموال منقول نیز برقرار می شود.

۵۲- گزینه ۴ صحیح است؛

که گزینه ۴ بیانگر حق سکنی به طریق رقبی می باشد زیرا گفته به مدت معین.

ایراد گزینه ۱ آن است که عقد موجد حق انتفاع از لحاظ مدت یا رقبی است یا عمری یا حبس مطلق (حق انتفاعی که در آن مدت تعیین نشده) پس اگر حق انتفاعی به صورت عمری و رقبی نباشد می توان گفت حبس مطلق است نه سکنی.

۵۳- گزینه ۴ صحیح است؛

که در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود مگر اینکه مالک قبل از فوت رجوع کند.

در امکان رجوع مالک و انحلال انتفاع با فوت مالک (منتفع) اختلافی در عمل وجود ندارد و ثمره بحث در حجر مالک ظاهر می شود که عدم انحلال آن با ظاهر قانون مدنی سازگارتر است. به نظر می رسد منتفع نیز

می‌تواند از امتیازی که به سود او به وجود آمده بگذرد و این امکان یکی از آثار تفاوت میان حق انتفاع و مالکیت منافع است.

۵۴- گزینه ۲ صحیح است؛

یکی از تفاوت‌های اجاره و عقد موجد حق انتفاع این است که اگر در عقد موجد حق انتفاع مدت تعیین نشود حبس مطلق نامیده می‌شود و صحیح است در حالی که اگر در عقد اجاره مدت معین نباشد عقد مزبور باطل است.

۵۵- گزینه ۲ صحیح است؛

۵۶- گزینه ۳ صحیح است؛

۵۷- گزینه ۲ صحیح است؛

۵۸- گزینه ۴ صحیح است؛

کلیه گزینه ۴ با توجه به ماده ۴۴ پاسخ ما می‌باشد زیرا حق مزبور تا فوت مالک ادامه پیدا می‌کند نه منتفع.

گزینه ۱ مطابق ماده ۴۲ صحیح است.

گزینه ۲ مطابق ماده ۴۵ صحیح است.

گزینه ۳ مطابق ماده ۴۶ صحیح است.

۵۹- گزینه ۳ صحیح است؛

کلیه با توجه به ماده ۷۶۰ ق.م. صلح چه معوض و یا چه مجانی (بلاعوض) باشد عقدی است لازم. هر چند در قانون از لازم یا جایز بودن عقد قرض سخنی به میان نیامده در مقام شک طبق اصل لزوم عقدی است لازم.

۶۰- گزینه ۴ صحیح است؛

گزینه ۱ طبق ماده ۲۰ صحیح است.

گزینه ۲ طبق ماده ۵۳ صحیح است.

گزینه ۳ با توجه به اینکه حق ارتفاق قائم به ملک است و قائم به شخص نیست صحیح است.

۶۱- گزینه ۴ صحیح است؛

کلیه عقد عینی عقدی است که علاوه بر ایجاب و قبول به عنصر سومی به نام قبض نیازمند است طبق ماده ۴۷ در حبس اعم از عمری و غیره قبض شرط صحت است.

۶۲- گزینه ۲ صحیح است؛

۶۳- گزینه ۳ صحیح است؛